

خودآگاهی در رمان؛ بررسی آرای هگل و باختین

مریم سادات حسینی سیرت^۱
یوسف شاقول^{۲*}

چکیده

هگل، فیلسوف آلمانی و باختین، نظریه پرداز و منتقد ادبی روسی از جمله متفکرانی هستند که رمان را موضوع تأمل فلسفی خود قرار داده‌اند و هر دو به مؤلفه «خودآگاهی در رمان» توجه داشته‌اند. در فلسفه هگل و در سیر تکامل روح به سمت آزادی، رمان از بالاترین تجلیات روح در فرم هنری است؛ جایی که روح به یکی از بالاترین سطوح خودآگاهی در قالب هنر می‌رسد. ضمن اینکه رمان به واسطه ظهور در دوران رمانتیک هنر، واجد قهرمان خودآگاه است. باختین هم در دو موضع از خودآگاهی در رمان می‌گوید: یکی آنجایی که رمان را گونه‌ای خودآگاه معرفی می‌کند و جای دیگر وقتی است که از خودآگاهی قهرمان رمان سخن می‌گوید. باختین وقتی داستایفسکی را خالق رمان چندصدگانه معرفی می‌کند، می‌گوید این خودآگاهی قهرمان است که به رمان‌های داستایفسکی خصلت چندصدایی می‌بخشد. در عین حال بحث از خودآگاهی در رمان، در هر دو متفکر به بحث از بی‌خانمانی هم‌گره می‌خورد.

ما در این مقاله تلاش کردیم نشان دهیم موضع هر یک از دو متفکر نسبت به این موضوع چه بوده، چه شباهت و چه تفاوتی با هم دارند و چه گفت‌وگویی میان آنها یکی به‌عنوان فیلسوف و دیگری به‌عنوان نظریه‌پرداز ادبی شکل گرفته‌است.

واژگان کلیدی: رمان، خودآگاهی، بی‌خانمانی، حماسه، هنر رمانتیک

mshosseini64@gmail.com
* y.shaghool@ltr.ui.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری گروه فلسفه، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)